

## نقش سیاست خارجی در حمایت از تولید ملی

محسن شریعتی نیا، کارشناس اقتصادی

### موج

حمایت از تولید ملی در نگاه نخست موضوعی اقتصادی و فنی به نظر می رسد از این رو به طور سنتی بخش عمده راه حل های تحقق آن در حوزه اقتصاد و سیاستگذاری صنعتی جستجو می شود. اما با نگاهی دقیق تر و کلان تر می توان دریافت که حمایت از تولید ملی و تحقق آن رابطه ای تنگاتنگ با سیاست خارجی یک کشور و جایگاه آن در صحنه بین المللی دارد.

برای تشریح این موضوع بهتر است گونه های متفاوت حمایت از تولید ملی را مورد بحث قرار داد. در یک تقسیم بندی کلی و ساده می توان نوع تولید و حمایت از آن را به دو دسته تولید ملی برای بازار ملی و تولید ملی برای بازار جهانی تقسیم کرد.

تولید ملی برای بازار ملی، این نوع تولید که دهه ها در طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شد، نوعی حمایت خاص را می طلبد، حمایتی که می توان آن را "حمایت تدافعی" نامید، بدان معنا که دولت ها با طراحی انواع حمایت ها و اجرای "سیاست درهای بسته" تلاش می کنند تا صنایع داخلی را از گزند بازار جهانی حفظ کنند. فناوری جایگزینی واردات مهمترین جلوه این نوع حمایت محسوب می شود. این نوع حمایت در کشورهای مختلف نتایج متفاوتی به بار آورده است. به عنوان مثال در کشورهای آسیایی حمایت های دولت به تدریج رو به کاستی گذاشته و با ورود این کشورها به سازمان جهانی تجارت نوع حمایت دولت ها نیز تغییر کرده است. اما در برخی دیگر از کشورها بویژه در خاورمیانه این حمایت ها دهه ها با توجیهات مختلف تداوم یافته است و نه تنها به کارآمدی، بهره وری و حضور در بازار جهانی منجر نشده، بلکه این صنایع را رو به زوال برده و درگیر فساد سیستمی کرده است.

تولید برای بازار جهانی، به طور طبیعی این نوع تولید و شیوه حمایت از آن با نوع یاد شده ماهیتا متفاوت است. در اقتصاد جهانی شده امروز که سخن از پدیده "ساخت جهان"<sup>۱</sup> می رود، به سختی

---

<sup>۱</sup> Made in the world

می توان معنا و مبنایی برای تولید ملی یافت. در اقتصاد جهانی امروز کشورها هریک در تقسیم کار جهانی جایگاهی یافته اند و بخشی از زنجیره تولید بین‌المللی را برعهده دارند. البته این بدان معنا نیست که دولت‌ها در روند جهانی شدن بی اهمیت گشته اند و منطق بازار آزاد کاملاً مسلط شده است، بلکه نوع سیاست توسعه‌ای کشورها و به تناسب آن نوع حمایت آنان تغییر یافته است. در این چارچوب نوع حمایت اغلب کشورها از صنایع خود عمدتاً معطوف به زمینه سازی بین‌المللی برای حضور موثرتر شرکت‌های آنان در رقابت‌های جهانی است. طبیعتاً این نوع حمایت بر خلاف نوع نخست، پیچیده و چند بعدی است و به پاک کردن صورت مسئله منحصر نمی شود. این نوع از حمایت را می توان "حمایت تهاجمی" نام نهاد بدان معنا که دولت‌ها با پیگیری رویکردی فعال در اقتصاد و سیاست بین‌الملل تلاش می کنند تا زمینه نفوذ شرکت‌های خود در بازار جهانی را فراهم آورند و از دیگر سو شرایط را برای ورود سرمایه و فناوری به داخل کشور فراهم کنند. نفوذ تهاجمی شرکت‌های چینی به بازار ایران در سال‌های اخیر نمونه بارز این نوع حمایت محسوب داشت، زیرا این نفوذ گسترش یابنده با حمایت تهاجمی دولت چین امکانپذیر شده است.

چین و ترکیه نمونه‌های قابل تاملی از چنین دولت‌هایی هستند. دیپلماسی اقتصادی و تجاری این دو کشور آشکارا تهاجمی است و عاملی بس مهم در توفیق آنان در تجارت جهانی محسوب می شود. از دیگر سو آنان از اعضای مهم سازمان جهانی تجارت هستند و تلاش‌های موثری برای تطبیق اقتصاد خود با قواعد اقتصاد جهانی صورت داده و تلاش کرده اند تا زمینه را برای جذب سرمایه خارجی فراهم آورند. به عنوان مثال ترکیه در یک دهه اخیر حدود ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب نموده است. افزون بر این و مهمتر آنکه سیاست خارجی این کشورها در راستای ظرفیت سازی تجاری تعریف شده و در این چارچوب تلاش شده تا زمینه بین‌المللی لازم برای توسعه توان رقابتی مجموعه‌های اقتصادی و صنعتی این کشورها پدید آید.

بنابراین می توان گفت که بخش مهمی از راه‌حل‌های مسئله حمایت از تولید ملی در ورای حوزه اقتصاد و صنعت قرار دارد و دقیقاً معضل اساسی ایران به عنوان کشوری در حال توسعه نیز در همین حوزه بروز و نمود دارد. در ایران بر خلاف کشورهای چینی و چین، رابطه منطقی میان رویکردهای سیاست خارجی و توسعه اقتصادی شکل نگرفته است. سیاست خارجی ایران رابطه‌ای مکمل با سیاست صنعتی و تجاری کشور ندارد. از همین روست که در عمده بحث‌هایی که راجع به

حمایت از تولید ملی صورت می گیرد، توجهات معطوف به حمایت نوع اول است و حداکثر از رفع تحریم ها سخن گفته می شود و کمتر سخنی از بسترهای بین المللی لازم برای حمایت از تولید و اساسا بین المللی شدن شرکت های ایرانی می رود. این در حالی است که حمایت نوع نخست سالهاست در جهان منسوخ شده است و تقریبا کشوری نمی توان یافت(غیر از موارد خاصی چون کوبا که آن هم اصلاحات را آغاز کرده است) که حمایت تدافعی را در کانون سیاستگذاری خود قرار داده باشد.

دهه هاست سیاست حمایت از تولید ملی در دستور کار دولت ها در ایران قرار دارد اما عمدتا این حمایت به "تولید ملی برای بازار ملی" محدود شده و تنوع گزینه های مصرف کننده ایرانی به سود این نوع حمایت نادیده گرفته شده است. افزون بر این منابع ملی نیز در سطح وسیعی در این راه به کار گرفته شده است. نتایج این نوع حمایت در ایران و جهان بیش از آن روشن است که نیاز به توضیحی داشته باشد. زمان آن فرارسیده که نوع حمایت از تولید و تفکر راهبردی در کشور تغییر کند. تاریخ توسعه نشان می دهد که هیچ کشوری در انزوا نتوانسته به توسعه دست یابد. هماهنگی و هم افزایی میان سیاست خارجی و سیاست توسعه صنعتی مهمترین شرط توفیق یک کشور در مسیر رشد و توسعه است.